گزارش ۲

مهربانی علیه کرونا

لیلا شوقی

جامعه

کرونا که به ایران آمد، این پویش‌ها و هشتگ‌ها بودند که با در فضای مجازی با آن به اشتراك گذاشته شد. هشتگ‌هایی که امید را به دل همه تزریق می‌کند. امید را به دل مستاجری که اجاره‌بهای خانه و مغازه‌اش به خاطر کرونا، عقب افتاده است و پزشك متخصصی که از همه خواسته تا در شهر تردد نکنند و به جای آن، در فضای مجازی و رایگان ویزیت شود. حالا پویش‌های «بخشش اجاره» و «تخصص من رایگان» در کنار پویش‌های دیگر با هم دیده می‌شود.

داستان از پاساژهای خلوت شروع شد. از این که چرخ پنچرکسب‌وکارها، با ورود کرونا، دیگر نمی‌چرخد. از این که مستاجرین با جیب‌های خالی، شب عیدی باید جلوی صاحبخانه سربلند باشند. داستانی که برای کسبه پاساژی که در غرب تهران است، اتفاق افتاد. پاساژی که ۱۰۵ مغازه فعال دارد. خیلی از کسبه محل از سیلی سخت ویروس کرونا بر صورت کسب‌وکارشان می‌گویند. دلشان اما به صاحب مغازه‌شان گرم است. صاحب مغازه‌ای که اجاره مغازه‌هایش را تا اردیبهشت به آنها بخشیده است تا شب عیدی، کام مغازه‌دارها تلخ نباشد. این اما تنها صاحب مغازه‌ای نیست که در روزهای کرونایی، هوای مستاجرانش را دارد. در پاساژ مشهور غرب تهران هم، در پاساژی که خیلی‌ها آن را به سالن سینمایش می‌شناسند، همین داستان خوش، تکرار شده است. صاحب مغازه این پاساژ بزرگ، اجاره‌بهای اسفند را به مستاجران بخشیده است. داستان پیوستن به این پویش اما تنها مختص صاحبان مغازه نیست. بسیاری از صاحبخانه‌ها هم اجاره‌بهای مستاجرشان را بخشیده‌اند. مثلا یکی از صاحبخانه‌هایی که در مرکز تهران خانه دارد، اجاره‌بهای دو ماه را به مستاجرش بخشیده است.

بخشش دولتی

درست است که بسیاری از صاحب مغازه‌ها به صورت خودجوش کرایه‌ها را بخشیدند، اما خیلی از ارگان‌ها و سازمان‌ها هم با مردم همراه شدند. سازمان امور مالیاتی، با صدور بخشنامه‌ای، مهلت بخشودگی جرایم قابل بخشش اسفند ۹۸ را به دلیل شیوع ویروس کرونا تا پایان خرداد ۹۹ تمدید کرد. این بخشنامه اما بند دومی هم دارد که در آن، به کسانی که مالیات خود را تا یك ماه بعد پرداخت می‌کنند، بخشش ۱۰۰ درصدی داده است. پرویز فتاح، رئیس بنیاد مستضعفان، نیز در روز میلاد امام علی (ع)، به همه مستاجران این بنیاد، عیدی داد و اجاره‌بهای اسفند و فروردین‌شان را بخشید. شهرداری هم از بخشش ۱۳ میلیارد ریالی، اجاره‌بهای مجموعه‌های ورزشی و حمایتش از بخش خصوصی خبر داد.

تخصصم فدای ایران

در روزهایی که بسیاری از مراکز درمانی، پر از بیماران کرونایی است، پزشکان هم به صورت خودجوش برای کاهش مراجعه به مراکز درمانی، پویشی راه انداختند، پویشی که در آن، متخصصان مختلف به صورت آنلاین و رایگان، مردم را ویزیت می‌کنند. ستاره کریم دیزانی، جراح و متخصص چشم در شهر گرگان است و در همان روزهای اول، به این پویش پیوسته است. حالا سه روز از تولد این پویش می‌گذرد و در این مدت او حدود ۲۰۰ نفر را به صورت رایگان و مجازی، ویزیت کرده است. او به ما می‌گوید: «یکی از راه‌های انتقال ویروس از طریق چشم است و مراجعه به بیمارستان در شرایطی که بیماران کرونایی در آن وجود دارند، می‌تواند خطرناك باشد.» دیزانی می‌گوید بسیاری از بیماران آنلاینش، بیماری زمینه‌ای داشته‌اند و بعد از فروکش کردن بیماری هم می‌توانند به پزشك مراجعه کنند، اما بسیاری از بیماران او، بعد از تماس ماده ضدعفونی‌کننده با چشم، از او سوال می‌کنند. نکته‌ای که بعد از دیدن عکس‌ها او برایشان پماد و قطره چشمی تجویز می‌کند. به جز کریم دیزانی، محمدرضا افتخاری که متخصص کاردیولوژی است هم به این پویش پیوسته. کسی که تخصصش به طور غیرمستقیم به ویروس کرونا، وابسته است؛ چراکه بیماران کرونایی، در شرایط حاد، دچار درد قفسه سینه و قلب می‌شوند. افتخاری به ما می‌گوید: «این مهم نیست که شما، چه تخصصی دارید، پزشکید یا نه لوله‌کش هستید، مهم این است که شما، این تخصص را در اختیار مردم بگذارید تا کمتر به بیرون از خانه مراجعه کنند.»

درخواست تعطیلی اماکن سیاحتی و زیارتی

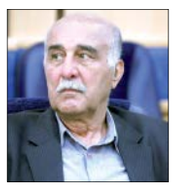

ایرج فاضل، رئیس مجمع انجمن‌های علمی پزشکی در نامه‌ای به وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، خواستار تعطیلی موقت همه اماکن سیاحتی و به‌ویژه زیارتی که در شرایط بحران ممکن است مراجعان بیشتری داشته باشند، شد. وی در نامه‌ای به وزیر بهداشت نوشت: این تصمیم، گام مهمی در کنترل اپیدمی کرونا و باعث رضایت خالق و مخلوق خواهد بود و تعویق آن باعث صدمات جبران‌ناپذیر خواهد شد. / جام جم دیلی

آموزگاران شبکه آموزش ۲ برابر می‌شوند

محمدرضا سیفی، رابط معاونت آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش به صدا و سیما گفت: آموزش و پرورش برای جلوگیری از هدررفت انرژی معلمان، با بیش از صد نفر از نیروهای تازه نفس مصاحبه کرده و قرار است از هفته آینده تعداد معلمان شبکه آموزش دو برابر شوند. وی افزود: شیوه آموزش به دانش‌آموزان از راه دور و از طریق تلویزیون، تلاشی است برای شبیه‌سازی مدرسه تا دانش‌آموزان همراه با والدین از این آموزش‌ها استفاده و تکالیف خود را برای فردا آماده کنند. /ایرنا

بومیان شهرهای شمالی از پلیس می‌خواهند مانع ورود مسافران به شهرهایشان شوند / عکس: ایرنا

سفر نخیر!

در روزهای اوج‌گیری کرونا عده‌ای بی‌توجه به هشدارها عازم سفر می‌شوند و برای خودشان و دیگران دردسر درست می‌کنند

مریم خباز

جامعه

کرونا با کسی شوخی ندارد، عده‌ای ولی انگار کرونا را جدی نگرفته‌اند. کووید- ۱۹ برایش فرقی ندارد یك چینی روبه‌رویش ایستاده یا یك ایتالیایی یا یك ایرانی؛ کرونا آمده تا بشر را مبتلا کند، پیر و جوان و جهان اول و دوم و سوم هم ندارد. همین ایران خودمان حسابی با کرونا گلاویز است. جای بسی خوشوقتی است که تا لحظه نوشتن این گزارش ۲۱۳۴ مبتلا به این بیماری بهبود یافته و سر خانه و زندگی‌شان برگشته‌اند، ولی ابتلای ۶۵۶۶ نفر به ویروس، مرگ ۱۹۴ نفر تا این لحظه و توان ویروس برای شکار روزانه بیش از ۷۰۰ نفر در کشور به هیچ وجه شوخی نیست.

در چنین اوضاعی برخی از هموطنان به کرونا و ویروس و هر چه بیماری مسری است خندیده‌اند و کوله‌بار سفر جمع کرده‌اند و راه افتاده‌اند در جاده‌ها. راه اینها را نمی‌خواند، مقصد اینها را نمی‌خواهد، میزبان از دستشان کلافه و کفری است، سفرشان هم به خیر و سلامتی نخواهد بود. آنها ولی می‌زنند به دل جاده، مثلا اهل حال‌اند و می‌خواهند در این تعطیلات غیرمترقبه کیف کنند، مثلا زرنگ‌اند و راه‌های در و را خوب بلدند و اگر از در بیرونشان کنی از پنجره می‌آیند.

ماجرای مسافرانی که این روزها گاهی با کلك و گاهی با قلدری و گاهی هم زیر سایه غفلت‌ها و تساهل‌ها از شهرهای آلوده خود به بقیه شهرهای آلوده (مخصوصا شهرهای شمالی) کشور سفر کرده‌اند و همچنان می‌کنند، ماجرای غریبی است. می‌شود گفت ماجرا از تعطیل شدن مدارس و دانشگاه‌های تهران شروع شد البته به صورت رسمی وگرنه خیلی‌ها هنوز هم معتقدند ماجرای سفر از قم شروع شد، از بار و بنه جمع کردن قمی‌ها و رفتنشان به شهرهای دور و نزدیك که البته منابع غیررسمی و برخی قمی‌ها که در شهر و دیارشان مانده‌اند آن را روایت می‌کنند.

با این حال تهران که تعطیل شد ماجرای سفرهای منحوس نیز شروع شد. مدارس و دانشگاه‌های شهرهای دیگر هم که به مرور تعطیل شد ماجرای این سفرها تشدید شد تا آنجا که وزیر بهداشت دو روز پیش عمیقا از مردم گله کرد و چهره‌اش نشان می‌داد چقدر عصبانی است. تقویم را که برعکس ورق بزنیم و به چهارم اسفند برگردیم به روز مرگ اولین مسافر تهرانی در مازندران می‌رسیم، به مرگی که حتما مسبب مرگ‌های بعدی و ابتلاهای زنجیره‌وار بود. مازندران تا دیروز ۶۲۰ مبتلا به کرونا داشت، گیلان هم ۴۹۶ و گلستان ۱۷۵ مبتلا، یعنی که طاقت این سه استان طاق است و خودشان به حد کفایت مشکل دارند، ولی همچنان این خط محبوب ساحلی در نوار شمالی کشور در تیررس مسافران است.

استان‌های شمالی کشور همیشه مشتاق مسافر بوده‌اند، کسب و کار بیشتر مردم این استان‌ها با گردشگری پیوندی محکم دارد و عیدها بره‌کشان کسب و کارهاست، ولی اینها این روزها گردشگر نمی‌خواهند، مردم بومی احساس ناامنی می‌کنند و حرف مسافر که می‌شود دلشوره می‌گیرند و یاد کرونا و مرگ می‌افتند. البته نه فقط سه استان شمالی که کرمانشاه، ایلام، هرمزگان، اصفهان، فارس، خراسان رضوی، قم، یزد، اردبیل، کهگیلویه و بویراحمد، کردستان، حتی قزوین، زنجان، کرمان، سمنان، بندرگناوه، مناطق آزاد ارس، ماکو و حتی سیستان و بلوچستان گفته‌اند نوروز مسافر نمی‌پذیرند.

با این حال عزم عده‌ای برای سفر کردن جزم است، گویی وقتی استارت می‌زنند و در جاده می‌رانند و به سمت شهرهای آلوده کشور تخت گاز می‌روند بادی در غبغب دارند و به خود می‌بالند که از مرزهای ممنوعیت گذشته‌اند و همه چیز را از خواهش و توصیه و هشدار زیر پا له کرده‌اند.

اسم این افراد مجهول است، ولی رسم‌شان آشناست. ما اینها را در همه بحران‌ها می‌بینیم، یك جماعت تك‌رو که طبق معادلات ذهنی خودش تصمیم می‌گیرد و رفتار می‌کند؛ جماعتی که برایش فرق ندارد شهر را به خاطر آلودگی هوا تعطیل کرده‌اند یا به خاطر بارش شدید برف و باران و او باید در خانه بماند، جماعتی که فقط رفتن را بلد است و شوخی گرفتن بحران را از بر است، جماعتی که اگر بگویی فلان جا سیل آمده و راه‌ها بسته است یا زلزله آمده و جاده‌ها مسدود است باز هم هُردود می‌کشد به سمت جاده‌های بسته، حتی اگر خطی فرضی روی زمین بکشی و بگویی آن سوی خط مرگ و نیستی است باز هم با خوشحالی می‌روند آن‌ور خط.

این جماعت بگذریم که اسباب زحمت این روزها هستند، ولی درعین حال قابل مطالعه‌اند؛ مردمی که دو فرضیه درباره‌شان می‌توان ارائه داد، این که یا به قدر کافی درباره ابعاد کرونا و خطر همه‌گیری‌اش مجاب نشده‌اند یا این که به روال همیشگی‌شان قصد مجاب شدن ندارند. اگر فرضیه دوم درست باشد پای یك مشکل جدی فرهنگی و اجتماعی در میان است و اگر فرضیه اول صحت داشته باشد علتش چیزی نیست به‌جز اطلاع‌رسانی‌های ضعیف مسؤولان و سیاست‌های یك‌بام‌ودوهوای این روزها.

استوری‌های بلاهت

از ناراحتی می‌خواهی بلایی سر خودت بیاوری وقتی شبکه‌های ماهواره‌ای ویدئوهایی از مردم ما را پخش می‌کنند که از بسته شدن راه‌های مواصلاتی برخی استان‌ها گله دارند و با خارج‌نشین‌ها درد و دل می‌کنند که آخر این چه مملکتی است که حق مسلم تردد را از ما گرفته است. باز هم می‌خواهی بلایی سر خودت بیاوری تا دیگر نبینی و نشنوی آن عده که توانسته‌اند با هزار لطایف‌الحیل، ایست بازرسی‌ها را دور بزنند و از عوارضی‌ها بگذرند و پا به مقصد بگذارند در فضای مجازی انواع و اقسام پست و استوری می‌گذارند و پیروزمندانه خبر می‌دهند «ما از مانع گذشتیم.»

فضای مجازی پر از این حرف‌ها و کری‌خواندن‌های ناجور است. کسی پست گذاشته که «ما موفق شدیم ماموران راه کندوان را شکست دهیم» و کسی با افتخار نوشته «قرنطینه خر است»، البته عده‌ای هم از خجالت‌شان درآمده‌اند و نوشته‌اند «شما نه‌تنها موفق شدید مرزِ کندوان را بلکه توانستید مرزهای حماقت و... را هم با موفقیت پشت سر بگذارید.»

با این حال حتی این جواب‌های دندان‌شکن تسکین درد این روزها نیست. بیشتر شهرهای کشور درگیر کرونا شده و دغدغه مقابله با همین یك درد برایشان کافی است، ولی عده‌ای که استوری‌های بلاهت ترتیب می‌دهند و با ویدئوهای عجیب و غریب‌شان خلاف جریان آب و مخالف این شعار که «کرونا را شکست می‌دهیم» حرکت می‌کنند، دارند بدجوری سنگ‌اندازی می‌کنند. از اینها عجیب‌تر آن عده‌اند که معلوم نیست این راه‌حل‌ها را از قوطی کدام عطار درآورده‌اند که برای راه‌یافتن به مقاصد گردشگری مخصوصا به شهرهای شمالی، پلاك‌هایشان را دستکاری می‌کنند تا بومی جلوه کنند یا سراغ اجاره پلاك یا خودروهای محلی می‌روند تا به این طریق محدودیت‌های تردد را دور بزنند و به مقصد دلخواه برسند. در کنار این جماعت هستند کسانی که راهی عجیب‌تر را برگزیده‌اند و تیرشان نیز از قضا به هدف خورده؛ اینها از شهرهای خود سوار کامیون‌های باری شده‌اند و چون این کامیون‌ها بازرسی نمی‌شوند خیلی راحت و بی‌دردسر به مقصد رسیده‌اند.

اینها هرکه هستند و بعد از درنوردیدن مرزهای اخلاق در هر شهری که پیاده شده‌اند حامل این پیغامند که در ایران ما که با بیش از ۶۰۰۰ فرد مبتلا به کرونا بعد از چین و کره جنوبی آلوده‌ترین کشور دنیا به ویروس است عده‌ای شوربختانه موضوع را جدی نگرفته‌اند و خطر بیماری و مرگ را به سخره گرفته‌اند و مثل بمب ساعتی جابه‌جا می‌شوند.

دولت حرفش یکی نیست

توپ فقط اما در زمین مردم نیست، این فقط مردم نیستند که مشکل ایجاد می‌کنند و با سهل‌انگاری‌هایشان جان خود و دیگران را به خطر می‌اندازند و اسباب زحمت می‌شوند. در کنار این مردم باید از دولت حرف زد، از ستاد ملی مدیریت و مقابله با کرونا و همه اعضایش که مصوبه می‌دهند و تصمیم می‌گیرند.

اگر روال کار دولت و تصمیمات این ستاد را از روزی که کرونا در کشور جدی شد تا امروز که دیگر هیچ شهری از خطر بیماری در امان نیست، بازخوانی کنیم به کلی تناقض، تساهل، تسامح و حتی چندگانگی می‌رسیم. روز چهارم اسفند خبر فوت اولین مسافر تهرانی در مازندران رسانه‌ای شد، خبری که باید خیلی‌ها را به خود می‌آورد، ولی نیاورد. فردایش سخنگوی دانشگاه علوم پزشکی مازندران گفت که مردم باید از مسافرت‌های غیرضروری خودداری کنند و این جمله بیشتر رنگ و بوی توصیه داشت چون در همان حال که ادا می‌شد ترافیك در جاده‌های مواصلاتی استان به‌ویژه در هراز در حال پرحجم شدن بود.

ششم اسفند چون خطر انتقال بیماری به‌واسطه این سفرها حس شده بود وزارت بهداشت با ورود کیت‌های تب‌سنج به مازندران موافقت کرد و یك روز بعد تب‌سنجی در ورودی‌های این استان در سوادکوه و جاده کندوان آغاز شد. هشتم اسفند اما در حالی که این اقدام کمترین تاثیر را در تغییر ذائقه مردم برای سفر داشت و ترافیك در جاده‌های شمالی همچنان سنگین بود در فضای مجازی پویش «نه به سفر به شمال» راه افتاد.

این پویش نیز اما نتوانست راه مردم مشتاق سفر را سد کند، درحالی که لغو پروازهای فرودگاه رامسر از دهم تا دوازدهم اسفند سعی داشت به نوبه خود این نقیصه را رفع کند. برخلاف رامسر اما روز دهم اسفند فرودگاه ساری همچنان برقرار بود و مردم می‌توانستند از این مسیر به شمال برسند، هرچند ۱۳ اسفند چادرخوابی در مازندران ممنوع شد. بعد از این ممنوعیت در روز چهاردهم اسفند، استاندار مازندران به فرمانداران غرب استان برای کنترل مسافرت‌ها (فقط کنترل نه ممنوعیت) ماموریت داد و گفت اجازه پذیرش مسافر در مازندران را به‌هیچ‌وجه نخواهند داد. فردای آن روز مصادف شد با بسته شدن جاده مازندران به سمت گیلان که می‌توانست اتفاق خوبی باشد و این اضافه شد به این خبر از زبان فرمانده انتظامی مازندران که جاده‌های استان تا اطلاع بعدی به روی خودروهای غیربومی بسته است.

این موضعگیری اما به جای آن که آغاز یك تغییر مثبت و توقف سفر به شمال باشد به شکل‌گیری موجی از سفر منجر شد که بیشتر به هجوم می‌مانست. در پنجشنبه و جمعه و شنبه‌ای که گذشت مسافران همچنان به قصد سفر به دل جاده‌ها زدند که کارد را خیلی زود به استخوان مردم چند شهر رساند از جمله در پلدختر و مخصوصا در آمل.

مردم آمل جاده را بستند و راننده‌ها را مجبور به بازگشت کردند، آنها قطاری از خودرو را در جاده‌ها نگه داشتند و نگذاشتند از شهرشان بگذرند و به قلب استان بروند. این ایستادگی باعث درگیری و کلی اعصاب خردی شد، جوی که در آن گویا مردم آمل تنها بودند و فقط فرمانده انتظامی‌شان پشت‌شان ایستاد. حالا هم درحالی که پیگیری‌های ما نشان می‌دهد آملی‌ها همچنان در پلیس راه مستقرند و جلوی مسافران را می‌گیرند و مردم محلی راه محمودآباد به نور را بسته‌اند و جاده هراز در اقدامی پربحث همچنان باز است. آنچه این روزها مازندران تجربه می‌کند حاصل ناکارآمدی سیاست‌ها و ناپایداری تصمیم‌هاست به نحوی که حس می‌شود عزمی ملی برای کنترل سفرها وجود ندارد و در کنار ولنگاری که در این حوزه حاکم است، عده‌ای در پست‌های مدیریتی با مردم رودربایستی دارند یا نمی‌خواهند به زعم خود مقابل مردم بایستند و دست به ناراضی‌سازی بزنند. این مشکل در واقع محصول یك چرخه معیوب است که باعث شده مردم طالب سفر بر دولت و حاکمیت فشار بیاورند نه این که دولت حرف اول و آخر را بزند. دولت و فرماندهی مقابله با کرونا در کشور در این روزهای کرونایی نتوانسته مردم را اقناع کند و گروه تك‌رو ملت را با خواسته‌هایش همراه کند و درباره دلایل پرخطر بودن سفر برایشان توضیح دهد. بسیاری از مسافران می‌گویند در شهرهای دیگر کشور مخصوصا در شمال خانه و ویلا دارند و هدفشان از سفر رسیدن به خانه شخصی است، ولی ستاد ملی مبارزه با کرونا هنوز نتوانسته آگاهی مردم را به درجه‌ای برساند که بدانند اگر در ویلای خود مریض شوند، لاجرم باید در شهر میزبان معالجه شوند و اگر بیمار هم نشوند برای ادامه حیات باید از امکانات آن شهر استفاده کنند که در این شرایط کرونایی چنین توان مضاعفی در شهرهای میزبان وجود ندارد. اینها نقص از جانب مسؤولان است که نتیجه‌اش سفرهای توجیه نشده مردم و انتقال ویروس از شهری به شهر دیگر می‌شود.

مردم بی‌اعتماد شده‌اند

مهدی حسین‌زاده فِرمی، جامعه‌شناس فرهنگی

مردم در هفته‌های اخیر شاهد تناقض در گفته‌های بعضی از مسؤولان درباره میزان شیوع ویروس کرونا در کشور و شدت اثرگذاری این بیماری بودند. به طور مثال، یکی از مسؤولان ارشد کشور در هفته‌های گذشته وعده عادی شدن اوضاع در آینده‌ای نزدیك را می‌داد، اما همزمان مسؤولی دیگر می‌گفت قرار است میزان همه‌گیری این بیماری تشدید شود. این تناقض‌گویی را به نوعی دیگر در برخی رسانه‌ها نیز مشاهده کردیم. بسیاری از مردم وقتی این مسائل را می‌بینند، اعتمادشان به مسؤولان و رسانه‌ها کم می‌شود و به همین دلیل، دیگر به توصیه‌های آنها برای پرهیز از مسافرت توجه نمی‌کنند. بخش دیگری از مردم هم تا زمانی که خودشان یك بحران را تجربه نکنند، درك درستی از میزان حاد بودن آن پیدا نخواهند کرد. از این رو، می‌بینیم حتی در بعضی شهرها که کرونا به شدت همه‌گیر شده است نیز برخی افراد صرفا وقتی خود یا اطرافیانشان به این بیماری مبتلا می‌شوند، میزان خطرناك بودن آن را درك می‌کنند. با این حال، در سطح جامعه می‌بینیم که بیشتر مردم میزان حساس بودن شرایط را درك کرده‌اند و به ضوابط بهداشتی لازم برای پیشگیری از ابتلا به کرونا پایبند هستند. ریشه این اتفاق در درجه اول به ارتقای سطح آگاهی‌های اجتماعی جامعه برمی‌گردد و در درجه دوم، باید توجه داشت بسیاری از افراد جامعه به اندازه کافی به مسؤولان سلامت کشور اعتماد ندارند و به این نتیجه رسیده‌اند که در این شرایط، فقط خودشان باید به درد خودشان رسیدگی کنند و هر کاری که از دستشان برمی‌آید، برای پیشگیری از ابتلا به این بیماری انجام دهند.

جاماندن از پویش‌های اجتماعی

غفور شیخی، جامعه‌شناس

برخی مردم بی‌توجه به همه هشدارهایی که از سوی مسؤولان و رسانه‌ها برای پرهیز از سفر در شرایط همه‌گیری بیماری کرونا داده می‌شود، راه سفر به نقاط مختلف کشور را در پیش گرفته‌اند. مهم ترین دلیل این بی‌توجهی، کاهش اعتماد این افراد به صحبت‌های مسؤولان و اخبار رسانه‌ها در سال‌های اخیر است. اما به جز این مساله، وجود اعتماد به نفس کاذب در میان برخی افراد نیز باعث شده است بی‌توجه به احتمال ابتلا به این بیماری، به کارهای روزمره خود از جمله انجام مسافرت در ایام تعطیل بپردازند. علاوه بر اینها، شالوده سست پیوندهای اجتماعی میان آحاد جامعه ایران نیز باعث شده است که بعضی از مردم همدلی لازم را برای مبارزه همگانی با این بیماری نداشته باشند. همین مساله باعث می‌شود این افراد بی‌توجه به این که خودشان ممکن است ناقل بیماری باشند، مسافرت کنند یا برای انجام کارهای غیرضروری از منزل خارج شوند. از سویی دیگر، باید توجه داشت شکل‌گیری همبستگی اجتماعی برای شرکت در یك پویش همگانی معمولا به صورت تدریجی اتفاق می‌افتد و براساس دلایلی که ذکر شد، هنوز برخی مردم لزوم ایجاد مشارکت اجتماعی برای مقابله با بیماری کرونا را درك نکرده‌اند. همچنین باید گفت تشکل‌های مردمی مثل فعالان اجتماعی، خیریه‌ها، هیات‌ها و مساجد نیز برای جلب این مشارکت عمومی دیر وارد عرصه شدند و چند هفته‌ای طول کشید تا بتوانند عموم افراد جامعه را برای مشارکت در پویش‌های اجتماعی با خود همراه کنند. به همین دلیل، برخی مردم که معمولا از مشارکت در پویش‌های اجتماعی جا می‌مانند، هنوز با این حرکت‌های مردمی همراه نشده‌اند و حاضر به ترك مسافرت‌های خود نیستند.

لج‌بازی با رسانه‌ها

صدیقه بیران، کارشناس رسانه

هشدارهای رسانه‌ای برای پرهیز از سفر در چند هفته گذشته باعث شده است بسیاری از مردم در شکل‌گیری عزم ملی برای مقابله با این بیماری همراه شوند و از مسافرت دست بکشند. با این حال، شاهد آن هستیم که درصد اندکی از افراد جامعه با این حرکت‌های مردمی همراه نیستند و همچنان تعطیلات را بهانه‌ای برای مسافرت به مناطق خوش‌آب‌وهوا می‌دانند. نکته دیگر این است که همچنان بخش زیادی از مردم اعتماد لازم را به رسانه‌ها ندارند و اطلاعاتی که رسانه‌های رسمی درباره ویروس کرونا در اختیارشان می‌گذارند، چندان برایشان قانع‌کننده نیست. همین بی‌اعتمادی به رسانه‌ها نیز باعث می‌شود این افراد آگاهی‌های لازم برای پیشگیری از ابتلا به این بیماری را کسب نکنند و به همین دلیل، لزوم پرهیز از انجام مسافرت را جدی نگیرند. در واقع، ریشه همه این برخوردهای ناآگاهانه به مساله کاهش سرمایه اجتماعی در میان آحاد جامعه بازمی‌گردد که باعث شده است بسیاری از مردم به توصیه‌های مسؤولان و رسانه‌ها کمتر اعتماد داشته باشند. در چنین شرایطی برخی گروه‌های اجتماعی حتی وقتی رسانه‌های رسمی توصیه‌های صحیحی را به آنها می‌دهند، از روی لج‌بازی احساس می‌کنند که با عمل نکردن به این توصیه‌ها دست به نافرمانی مدنی زده‌اند. در صورتی که همین نافرمانی ممکن است موجب بیمار شدن خود یا اطرافیان‌شان شود. تنها راه‌حل این مشکل نیز تلاش حاکمیت و رسانه‌ها برای جبران سرمایه اجتماعی سرکوب‌شده در میان این دسته از افراد جامعه است، هدفی که تحقق آن جز با ارائه اخبار شفاف و صادقانه به مردم درباره همه‌گیری ویروس کرونا میسر نیست.